



مدل‌یابی رفتارهای پرخطر بر اساس سبک‌های دلبستگی و همدلی با میانجی‌گری پرخاشگری در فرزندان بدسرپرست شهر زنجان

محمد سعید احمدی*^۱، یوسف قاسمی^۲، مائده کیمیا قلم^۳

۱- * استادیار گروه روانشناسی دانشگاه فرهنگیان، زنجان، ایران.

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، زنجان، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه زنجان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: گسیختگی خانواده و عوامل مختلف دیگر، خانواده‌های زیادی را با بی‌سرپرستی و بدسرپرستی کودکان روبه‌رو ساخته است. تجربه بدرفتاری به خصوص در طول سال‌های اولیه، کودک را در معرض کارکردهای سازش‌نیافته اجتماعی، روانشناختی، روانی-زیستی قرار می‌دهد. این پژوهش، با هدف مدل‌یابی رفتارهای پرخطر بر اساس سبک‌های دلبستگی و همدلی با نقش میانجی پرخاشگری در فرزندان بدسرپرست شهر زنجان اجرا شد. **مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر در برگیرنده تمامی فرزندان (دختر و پسر) بدسرپرست از سن ۱۰ تا ۲۰ ساله ساکن شهر زنجان در سال ۹۸-۹۹ می‌باشد که ۱۲۰ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شد و پرسشنامه‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۷۸)، پرخاشگری باس و وارن (۲۰۰۰)، واکنش‌های بین فردی توسط دیویس (۱۹۸۳) و رفتارهای پرخطر زاده محمدی و همکاران (۱۳۹۰) برای هر آزمودنی پر شد. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. جهت انجام تحلیل، از نرم افزار AMOS-18 و SPSS-23 استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از شاخص‌های نیکویی برازش مدل اصلی تحقیق نشان‌دهنده برازش بالای مدل بود. نتایج نشان داد سبک‌های دلبستگی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست با نقش میانجی پرخاشگری می‌باشد ($p < 0/01$)؛ همچنین همدلی دارای اثر منفی و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست با نقش میانجی پرخاشگری می‌باشد ($p < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** از آنجایی که توانایی هیجانی کودکان بطور معمول در سنین پایین به سرعت پیشرفت می‌کند، تا حد زیادی حاصل شکل‌گیری سبک دلبستگی کودک و توانایی همدلی والدین بالاخص میزان صحبت کردن والدین درباره هیجان‌های مختلف است.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، همدلی، پرخاشگری، رفتارهای پرخطر و فرزندان بدسرپرست



مقدمه

خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم اجتماعی نقش مهمی در شکل گیری شخصیت و رشد اجتماعی، شناختی، هیجانی و عاطفی کودک دارد (حسینی و رضایی، ۲۰۱۴). یکی از مشکلات زندگی اجتماعی وجود کودکانی است که به دلایلی بی سرپرست و بدسرپرست شده‌اند. آنها به دلیل محرومیت و ناکامی غالباً دچار مشکلات رفتاری و هیجانی می شوند که نیاز به توجه و مراقبت متخصصین بهداشت روان دارند.

کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست به کودکانی گفته می شود که به علل گوناگون از حمایت، مراقبت و نگهداری موثر توسط خانواده محروم بوده و امکان زندگی در محیط خانواده را ندارند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵).

کودکان بی سرپرست ممکن است یک یا تمام افرادی را که حضور فیزیکی آنان در تامین نیازهای مادی و روانی او تاثیر دارند از دست بدهد، یا اینکه فوت یکی از والدین توجه دیگران را کاهش داده و یا به بی توجهی رساند. مرگ پدر، ازدواج مجدد مادر و برعکسش، در ارتباطات عاطفی میان کودک و نامادری یا ناپدري و نیز اعتیاد و بی تفاوتی والدین و بستگان را می توان نمونه های از علل بدسرپرستی و بی سرپرستی قلمداد کرد (تیمر^۱، ۱۹۹۹).

پژوهش ها نشان داده است که مشکلات سلامت روان بیشتر به شکل رفتارهای برون نمود از قبیل پرخاشگری و رفتارهای مخرب نشان داده می شوند که به احتمال زیاد به دلیل آشفتگی و بی ثباتی در مکان است (نیوتون و همکاران^۲، ۲۰۰۰؛ وبستر، بارث و نیدل^۳، ۲۰۰۰). خشونت و تنبیه والدین بر دانش هیجانی کودک نیز تاثیر می گذارد و مانع بازشناسایی درست بین هیجان های منفی می شود؛ همچنین باعث برداشت اشتباه خشم از رفتار دیگران می شود که احتمال رفتار پرخاشگرانه را افزایش می دهد. همچنین کودکان در این خانواده ها فرصت کمتری برای گفتمان هیجانی، فرایندی که دانش هیجانی و تنظیم هیجانی را افزایش می دهد، دارند. همچنین بدسرپرستی تأثیر عمیقی بر رشد هیجان دارد، آنها دامنه وسیعی از مشکلات هیجانی و روانشناختی مرتبط با وابستگی و محرومیت از مادر را تجربه می کنند (صنعتگر^۴، ۲۰۱۱).

رفتارهای پرخطر یکی از مهمترین مسائل بهداشتی و اجتماعی جوامع کنونی است که بر فرد، خانواده و جامعه تأثیر می گذارد، رفتارهای پرخطر، رفتارهایی هستند که زندگی دیگران را مختل می کند و ممکن است به اشخاص و یا اموال آنان آسیب برساند که شامل تخطی از قانون، نظیر تخریب اموال، سرقت، خشونت یا استفاده از سیگار، الکل، مصرف مواد مخدر، فرار از مدرسه، آتش افروزی و تجاوز به عنف یا تهدید می شود. اینگونه رفتارها احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روانشناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می دهد (کار و گراور^۴، ۲۰۰۳). مهم ترین رفتارهای پرخطر از حیث فراوانی،

¹ Timmer

² Newton R R, Litrownik A J, Landsverk J A

³ Webster D, Barth R, Needell B

⁴ Carr & Grover



نمونه و ناخوشایندی شامل مصرف الکل، مصرف تنباکو، فعالیت جنسی ناایمن، رانندگی خطرناک و خشونت بین فردی می شود (بویر^۱، ۲۰۰۶).

از جمله مشکلات رفتاری شایع در بین کودکان بی سرپرست پرخاشگری است (نیوتون، لیتروینک و لندورک^۲، ۲۰۰۰). پرخاشگری پیامدهای زیانباری دارد. از اصطلاح پرخاشگری برای توصیف بسیاری از انواع رفتارها از جمله بدخلقی، بحث و مشاجره، زورگویی، تخریب لوازم شخصی، نزاع و بی رحمی استفاده می شود (کایه، موننگری و مونسون، ۲۰۰۳). رفتار پرخاشگرانه نه تنها در قربانیان بلکه در متجاوزان اثرات منفی تولید می کند، نوجوانان بیشتر رفتار پرخاشگری و ناسازگاری روانی واضح، عملکرد تحصیلی پایین، غیبت از مدرسه، دست داشتن در اقدامات بزه کارانه، سوء مصرف مواد و همچنین سطوح بالاتر افسردگی را نشان می دهند (موفیت^۳، ۲۰۰۶؛ کاوا^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). همدلی و خشم دو احساس اجتماعی هستند که خطر پرخاشگری را تعدیل می کنند. همدلی یک واکنش عاطفی به یک حالت عاطفی فرد دیگر است. عصبانیت یک واکنش عاطفی به تهدید، ناامیدی و یا تحریک اجتماعی است. کاهش همدلی در افراد ضد اجتماعی ریسک پرخاشگری به هدف را افزایش می دهد (بلیر^۵، ۲۰۱۸).

بالبی (۱۹۵۱) عقیده دارد که رفتار همدلی از رفتار غریزی دلبستگی ناشی می شود به عبارتی شالوده رفتار همدلی در دوران نوزادی از طریق فرایند رابطه نوزاد و مراقب او شکل می گیرد. دلبستگی، مفهومی است که ریشه در کارهای کردار شناسان دارد و دارای بار مفهومی روان تحلیل گرایانه نیز است. همچنین دلبستگی زیربنای شکل گیری همدلی در کودکان را شکل می دهد، همدلی، توانایی درک احساسات و دیدگاه های دیگران و استفاده از این دانسته ها برای مدیریت رفتارمان تعریف می شود. طبق تحقیقات، آدم های همدل گرایش به بخشندگی بیشتر دارند و نسبت به رفاه دیگران از خود علاقه نشان می دهند. آنها همچنین روابط شادتری را تجربه می کنند و از احساس بهزیستی فردی بیشتری برخوردارند (لی^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). از نظر بالبی رفتار دلبستگی در پیشگیری از اختلالات رفتاری و ناسازگاری اجتماعی نقش مهم و قابل توجه دارد، کیفیت این رفتار در مراحل بعدی زندگی بسیار موثر است. رفتار دلبستگی در دوران رشد تحول یافته و به صورت همدلی، بروز می کند و بر پایداری افراد نسبت به معیارهای فرهنگی و پذیرش اجتماعی، سلامت روان و سازگاری اجتماعی آنها تاثیر می گذارد؛ بنابراین نقش خانواده در مهار و تشکیل رفتارهای همدلانه و پرخاشگرانه مهم می باشد و شیوه های تربیتی و دلبستگی یکی از پیش بینی کننده های مهم رفتارهای عاطفی و اجتماعی سازگارانه است. برقراری پیوندهای عمیق با شخص مهم زندگی

¹ Boyer

² Newton, Litrownik & Landsverk

³ Moffitt

⁴ Cava

⁵ Blair

⁶ lee



مادر) برای نوزاد انسان، ارزش حیاتی دارد و این توانایی به صورت ذاتی در او وجود دارد. پژوهش دربارهٔ سبک‌های دلبستگی، نشان داده است که بین دلبستگی ناایمن و شاخصهای وسیعی از ناسازگاری‌ها و درماندگی‌های روانشناختی، ارتباط قوی وجود دارد (نریمانی، محمودی و ملکشاهی، ۱۳۸۷). از سویی دیگر پژوهش‌ها رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی را با رفتارهای پرخطر را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد سبک دلبستگی اجتنابی با مصرف مواد ارتباط دارد (هازن و شیور، ۱۹۸۷).

مهم‌ترین راه پیشگیری خشونت و پرخاشگری و رفتارهای ریسک‌پذیر، پرورش و رشد رفتار همدلی در کودکان به خصوص افراد بدسرپرست می‌باشد؛ بنابراین هدف تحقیق حاضر مدل‌یابی رفتارهای پرخطر بر اساس سبک‌های دلبستگی و همدلی با میانجی‌گری پرخاشگری در فرزندان بدسرپرست شهر زنجان است.

مواد و روش کار:

پژوهش حاضر یک مطالعه کارآزمایی بالینی می‌باشد. با توجه به اینکه در این پژوهش، هدف مشخص نمودن روابط بین متغیرها می‌باشد از روش معادلات ساختاری برای روشن کردن این روابط استفاده می‌شود. جامعه آماری تحقیق حاضر در برگرفته تمامی فرزندان (دختر و پسر) بدسرپرست از سن ۱۰ تا ۲۰ ساله ساکن شهر زنجان در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ است. معیارهای ورود عبارت از

۱) فرزندی که به علت فقر خانواده امکان ادامه تحصیل ندارد و نیازهای اولیه ایشان (خوراک، پوشاک و مسکن) به شدت دچار اشکال است.

۲) فرزندان و کودکان کار.

۳) فرزندی که یکی از والدین یا سرپرست آنها دچار رفتار اعتیادی یا اختلالات اعتیاد، سابقه اختلالات روانپزشکی (اسکیزوفرنی، افسردگی ماژور، دوقطبی، وسواس و ..) دارد، و کارکرد اجتماعی، خانوادگی و فردی آن فرد دچار اختلال است.

۴) فرزندی که تجربه آزار و اذیت جسمی، روانی و جنسی دارد و والدین وی توانایی حفاظت از فرزند خود را در برابر دیگر افراد سود جو ندارند.

۵) فرزندی که به گروه‌های قاچاق و تگانشگری توسط والدین اجازه داده می‌شوند.

۶) فرزندی که اداره بهزیستی استان زنجان آنها را بدسرپرست تلقی می‌کند.

ابزار گرد آوری داده‌های پژوهش پرسشنامه‌های استاندارد زیر است:

10th International conference ON PSYCHOLOGY OF EDUCATION SCIENCES AND LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

September 21, 2022



پرسشنامه سبک‌های دل‌سبستگی هازن و شایور^۱ (۱۹۷۸) که شامل ۱۵ سوال با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت است. آلفای کرونباخ آن توسط بشارت (۱۳۸۴) بررسی و برای زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (کل نمونه = ۱۴۸۰؛ ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ محاسبه شده که نشانه همسانی در نشانه همسانی درونی خوب آن است؛ پایایی بازآزمایی آن به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴، محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است.

پرسشنامه پرخاشگری باس و وارن^۲ (۲۰۰۰) دارای ۳۴ سوال و از نوع بسته پاسخ است. مقایس پرسشنامه از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی شده است. یزدخواستی (۲۰۱۰) ضریب همسانی درونی این پرسشنامه را برابر ۰/۷۸ محاسبه کرد؛ همچنین ضریب همسانی درونی عامل‌های پرخاشگری جسمی، پرخاشگری کلامی، خشم، خصومت و پرخاشگری غیرمستقیم به ترتیب برابر ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۵۶، ۰/۶۲ و ۰/۶۰ بود و همچنین یزدخواستی برای بررسی روایی این پرسشنامه، همبستگی بین خرده‌آزمون‌ها را با نمره کل آزمون محاسبه کرد و ضرایب برای عامل‌های پرخاشگری به ترتیب برابر ۰/۶۰، ۰/۶۲، ۰/۵۲، ۰/۳۳ و ۰/۴۲ به دست آورد.

پرسشنامه واکنش‌های بین فردی که توسط دیویس (۱۹۸۳) معرفی شد. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم امتیاز بندی شده است. لورنت و هاجر (۲۰۰۹) آلفای کرونباخ مولفه‌ها را ۰/۷۱ تا ۰/۷۷ گزارش کردند. همسانی درونی نسخه فارسی از ۰/۵۷ تا ۰/۷۰ گزارش شده است (فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۷).

پرسشنامه رفتارهای پرخطر را زاده محمدی و همکاران (۱۳۹۰) هنجاریابی کرده‌اند. این مقیاس دارای ۳۸ گویه با مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم نمره ۱ کاملاً موافقم نمره ۵ است. میزان آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۴ و خرده مقیاسها بین ۰/۷۴ و ۰/۹۳. و همچنین روایی صوری ۰/۷۷ گزارش شد. تحلیل عاملی اکتشافی با روش مؤلفه‌های اصلی نیز نشان داد این پرسشنامه می‌تواند ۸۴/۶۴ درصد واریانس خطرپذیری را پیش‌بینی کند (زاده محمدی، ۱۳۹۰). ضریب پایایی آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد (عرب نژاد، مفاخری و رنجبر، ۱۳۹۷).

در این تحقیق برای بررسی پایایی و روایی داده‌ها از ضریب آلفای کرونباخ و KMO و بارتلت استفاده شد که نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد پایایی و روایی پرسشنامه‌ها در سطح مناسبی قرار دارد.

¹ Hazan & Shaver

² Buss and Warren



جدول ۱: بررسی روایی و پایایی پژوهش

متغیرها	آماره KMO	سطح معناداری (آزمون بارتلت)	آلفای کرونباخ
پرسشنامه دل‌بستگی	۰/۷۷۵	۰/۰۰۱	۰/۸۸۵
پرسشنامه همدلی	۰/۸۵۰	۰/۰۰۱	۰/۸۶۱
پرسشنامه پر خاشگری	۰/۷۱۳	۰/۰۰۱	۰/۸۶۲
پرسشنامه رفتارهای پرخطر	۰/۷۶۸	۰/۰۰۱	۰/۸۶۳

در نهایت داده‌ها با استفاده از SPSS²² و AMOS²⁴ و آمار توصیفی و مدل سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده میانگین گروه سنی پاسخ دهندگان نیز $14/358 \pm 2/640$ بود (جدول شماره ۱). همچنین نتایج این پژوهش نشان داد در متغیر جنسیت ۶۲/۵ درصد پسر و ۳۷/۵ درصد دختر بودند که افراد با تحصیلات ششم با ۲۵/۰ درصد و پنجم ۲۱/۷ درصد بیشترین فراوانی را داشت. جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، آزمون طبیعی بودن داده و ضرایب همبستگی پیرسون بین داده‌ها پژوهش را گزارش می‌دهد. با توجه به نتایج جدول توزیع داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند و همبستگی بین داده‌ها از نظر آماری معنی دار است.

جدول ۲: نتایج آمار توصیفی، آزمون کلموگروف و آزمون همبستگی پیرسون

میانگین	انحراف معیار	آزمون سطح	ضریب همبستگی پیرسون	رفتارهای پرخطر	پر خاشگری	سیک‌های دل‌بستگی همدلی
۹۲/۷۸۴	۱۰/۵۰۰	۰/۱۱۵	۱/۱۱۰	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی سطح معنی داری	

10th International conference ON PSYCHOLOGY OF EDUCATION SCIENCES AND LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

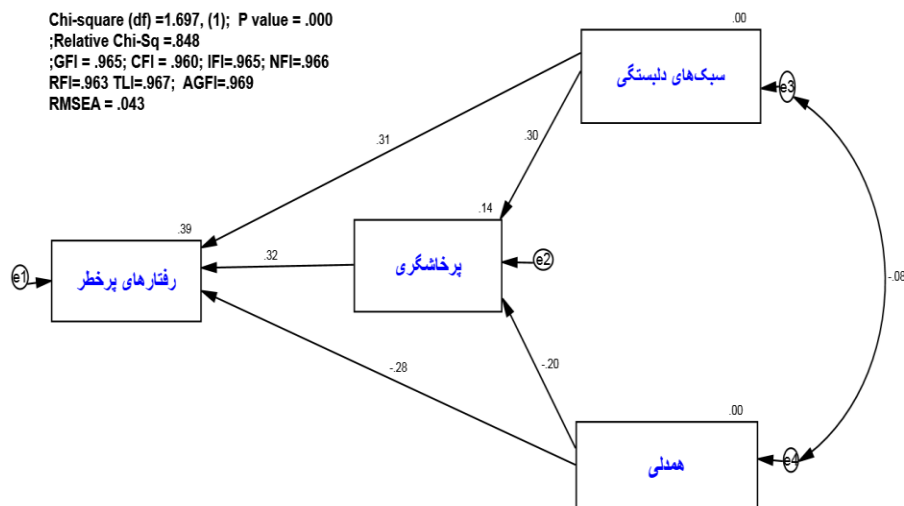
September 21, 2022



میانگین	انحراف معیار	آزمون	سطح	ضریب همبستگی	پیرسون	رفتارهای پرخطر	پرخاشگری	سبک‌های دل‌بستگی	همدلی
۱۰۲/۰۳۹	۱۵/۹۸۵	۰/۶۰۸	۰/۷۶۱	ضریب همبستگی	**۰/۲۴۲	۱/۰۰۰	پرخاشگری	۴۴/۶۱۸	۶۳/۶۲۹
				سطح معنی داری	۰/۰۰۸	-		۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸
				ضریب همبستگی	**۰/۲۶۷	**۰/۳۳۹	سبک‌های دل‌بستگی	۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸
				سطح معنی داری	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	همدلی	۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸
				ضریب همبستگی	**	-۰/۲۷۲	پرخاشگری	۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸
				سطح معنی داری	**	-۰/۲۷۲	همدلی	۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸
				ضریب همبستگی	**	-۰/۲۷۲	پرخاشگری	۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸
				سطح معنی داری	**	-۰/۲۷۲	همدلی	۶/۰۱۷	۱۶/۱۰۸

نتایج آزمون همبستگی در جدول ۴-۱۱ نشان داد بین متغیرهای رفتارهای پرخطر و پرخاشگری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($r=0/242, P<0/05$)، بین متغیرهای رفتارهای پرخطر و سبک‌های دل‌بستگی نیز رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($r=0/267, P<0/05$)، اما بین متغیرهای رفتارهای پرخطر و همدلی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($r=0/339, P<0/05$)، بین متغیر سبک‌های دل‌بستگی و پرخاشگری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($r=0/339, P<0/05$)، بین متغیر همدلی و پرخاشگری نیز رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($r=-0/272, P<0/05$)،

شکل ۱ نتایج تحلیل عاملی داده‌های تحقیق را با استفاده از نرم‌افزار معادلات ساختاری آموش نشان می‌دهد:



شکل ۱: مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد

نتایج تخمین حاکی از مناسب بودن نسبی شاخص‌ها دارد. با توجه به خروجی آمووس مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۱/۶۹۷ می باشد که نسبت به درجه آزادی آن یعنی ۲، کمتر از ۰/۸۴۸ می باشد. پایین بودن میزان این شاخص نشان‌دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده‌های مشاهده شده تحقیق است. مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۳ می باشد. شاخص‌های شاخص‌های GFI، NFI، IFI، RFI، AGFI، TLI و CFI به ترتیب برابر با ۰/۹۶۵، ۰/۹۶۶، ۰/۹۶۵، ۰/۹۶۳، ۰/۹۶۹، ۰/۹۶۷ و ۰/۹۶۰ می باشد که نشان‌دهنده برازش بالایی می باشند.

جدول ۳: بررسی مولفه‌های روابط بین متغیرهای پژوهش

وضعیت	مقدار P	t-value	بارعاملی در حالت تخمین غیر استاندارد	بارعاملی در حالت تخمین استاندارد	سبک‌های دلبستگی ← پرخاشگری
تایید شد	**۰/۰۰۱	۷/۰۶۲	۱/۰۰۰	۰/۳۰۳	

10th International conference ON PSYCHOLOGY OF EDUCATION SCIENCES AND LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

September 21, 2022



تایید شد	**۰/۰۲۲	-۲/۲۹۳	-۰/۲۴۱	-۰/۱۹۶	همدلی ← پرخاشگری
تایید شد	**۰/۰۰۱	۴/۰۷۰	۰/۱۸۰	۰/۳۱۷	پرخاشگری ← رفتارهای پرخطر
تایید شد	**۰/۰۰۱	۴/۱۱۰	۰/۵۸۸	۰/۳۱۴	سبک‌های دلبستگی ← رفتارهای پرخطر
تایید شد	**۰/۰۰۱	-۳/۷۵۴	-۰/۱۹۵	-۰/۲۷۹	همدلی ← رفتارهای پرخطر

** در سطح ۰/۰۱ معنی دار ($p < 0.01$)

نتایج تحلیل مسیر در شکل ۱ جدول ۳ نشان داد:

ضریب استاندارد بین سبک‌های دلبستگی بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست برابر ۰/۳۱۴ می‌باشد و با توجه به قدرمطلق آماره آزمون تی که برابر ۴/۱۱۰ و بزرگتر از ۱/۹۶ است. بنابراین سبک‌های دلبستگی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست می‌باشد ($\beta = 0.314$; $p\text{-value} = 0.001$). همچنین ضریب استاندارد بین همدلی بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست برابر ۰/۱۹۶- است و با توجه به قدرمطلق آماره آزمون تی که برابر ۲/۲۹۳ و بزرگتر از ۱/۹۶ است. بنابراین همدلی دارای اثر منفی و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست می‌باشد ($p = 0.022$). ضریب استاندارد بین پرخاشگری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست برابر ۰/۳۱۷ می‌باشد و با توجه به قدرمطلق آماره آزمون تی که برابر ۴/۰۷۰ و بزرگتر از ۱/۹۶ است. بنابراین پرخاشگری دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست می‌باشد ($\beta = 0.317$; $p\text{-value} = 0.001$).

جدول ۴: بارهای عاملی و مقدار t اثرات غیر مستقیم (آزمون بوت استرپ)

وضعیت	بارعاملی در			
	مقدار P	حالت تخمین استاندارد	بارعاملی در حالت تخمین استاندارد	
تایید شد	*۰/۰۲	۰/۲۷۰	۰/۱۰	سبک‌های دلبستگی ← پرخاشگری ← رفتارهای پرخطر

**10th International conference ON
PSYCHOLOGY
OF EDUCATION SCIENCES AND
LIFESTYLE**

Tbilisi - Georgia

September 21, 2022



تایید

*۰/۰۲۵

-۰/۱۰

-۰/۰۵

همدلی ← پرخاشگری ← رفتارهای پرخطر

نشد

* در سطح ۰/۰۵ معنی دار ($p < 0.05$)

نتایج تحلیل مسیر از طریق آزمون بوت استرپ در شکل ۱ و جدول ۴ نشان داد:

ضریب استاندارد بین سبک‌های دلبستگی بر رفتارهای پرخطر با نقش میانجی پرخاشگری برابر ۰/۱۰ می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری آن نتیجه می‌شود با احتمال ۹۵ درصد سبک‌های دلبستگی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست با نقش میانجی پرخاشگری می‌باشد ($\beta = 0.10$; $p\text{-value} = 0.02$). همچنین ضریب استاندارد بین همدلی بر پرخاشگری با نقش میانجی پرخاشگری برابر ۰/۰۵- می‌باشد و با توجه به سطح معنی‌داری آن نتیجه می‌شود با احتمال ۹۵ درصد همدلی دارای اثر منفی و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست با نقش میانجی پرخاشگری می‌باشد ($\beta = -0.05$; $p\text{-value} = 0.05$).



بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر باهدف مدل‌یابی رفتارهای پرخطر بر اساس سبک‌های دلبستگی و همدلی با میانجی‌گری پرخاشگری در فرزندان بدسرپرست شهر زنجان بود. یافته‌های تحقیق نشان داد سبک‌های دلبستگی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست بود. این یافته با پژوهش عزیزاده، کیامنش و احدی (۱۳۹۶)، مسعودی علوی، خالقی‌پور و وهابی همابادی (۱۳۹۶)، حسینیان و همکاران (۱۳۹۳)، هاری، گولتر و مورتی (۲۰۱۹)، هرن کوهل و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. بر اساس نتایج این پژوهش، فرزندان بدسرپرستی پرخاشگری بیشتری نسبت به سایر افراد داشتند. کیفیت دلبستگی فرد می‌تواند نوع ارتباطات وی را در آینده و همچنین میزان و شکل پرخاشگری، رشد، سلامت، چگونگی مقابله با تنیدگی‌ها و هیجانات، استقلال و عدم وابستگی و همچنین ابتلا به اختلالات روانی را پیش‌بینی کند. بنابراین آموزش خانواده‌ها در زمینه‌ی ایجاد روابط ایمنی‌بخش با فرزندان و نیز ارائه برنامه‌های افزایش دهنده‌ی امنیت دلبستگی می‌تواند حائز اهمیت فراوان باشد. لذا می‌توان نتیجه گرفت بین سبک‌های دلبستگی (مولفه‌های سبک‌های دلبستگی) با رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست زنجان رابطه وجود دارد.

یافته دوم در این تحقیق نشان داد که همدلی دارای اثر منفی و معنی‌داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست است. این یافته با پژوهش رضایی (۱۳۹۲)، بلیر (۲۰۱۸)، گارگوردویل و گاریادی گاردنو (۲۰۰۶)، لوت و شفلید (۲۰۰۷) کیتلی، آلون و مولان (۲۰۱۷) همسو است. همدلی و عصبانیت دو احساس اجتماعی هستند که خطر تجاوز فرد را تعدیل می‌کنند. همدلی واکنشی عاطفی به وضعیت عاطفی فرد دیگر است. عصبانیت یک واکنش عاطفی در برابر تهدید، ناامیدی یا تحریک اجتماعی است. کاهش همدلی، که در روان‌درمانی دیده می‌شود، خطر ابتلا به هدف پرخاشگری را افزایش می‌دهد. افزایش عصبانیت عصبی (یعنی تحریک‌پذیری)، که در شرایط نظیر اختلال خلقی و اختلال شخصیت مرزی دیده می‌شود، خطر پرخاشگری واکنشی را افزایش می‌دهد (بلیر، ۲۰۱۸). در تبیینی می‌توان گفت همدلی، یعنی توانایی همدردی و درک نگرانی‌های دیگران، این همان چیزی است که کودکان را نسبت به دیدگاه‌های دیگران حساس می‌کند و آگاهی آنها را از افکار و عقاید دیگران افزایش می‌دهد و کودکی که همدلی را بیاموزد، فهمیده‌تر و دلسوزتر می‌شوند و معمولاً توانایی بیشتری در مهار کردن خشمشان دارند. فرزندان بدسرپرست با توجه به اینکه از نقص همدلی بیشتر رنج می‌برند مطمئناً نیاز هست به نقص همدلی در آنها توجه کرد و مداخله‌ای برای کاهش آن اجرا کرد. همچنین شواهد تجربی این نکته را آشکار ساخته‌اند که همدلی در فرایند تحول و بر اساس تجربه‌های کودک آموخته می‌شود و انسان از رفتارها و واکنش‌های دیگران چگونگی انجام آن را می‌آموزد و همچنین برنامه‌های آموزش همدلی برافزایش همدلی مؤثرند و منجر به پیامدهای مثبت میشوند. بنابراین می‌توان با افزایش این توانایی، یعنی آموزش و تقویت آن، احتمال وقوع رفتارهای پرخاشگرانه را کاهش داد.

10th International conference ON PSYCHOLOGY OF EDUCATION SCIENCES AND LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

September 21, 2022



یافته سوم در پژوهش حاضر نشان داد پرخاشگری دارای اثر مثبت و معنی داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست است. این یافته با پژوهش عزیزاده، کیامنش و احدی (۱۳۹۶)، سعادت و عباس زاده (۱۳۹۶)، خزاعی (۱۳۸۴)، کیتلی، آلون و مولان (۲۰۱۷) و بلیر (۲۰۱۸) همسو است. افزایش تحریک پذیری، منجر به ناهماهنگی در تنظیم اختلال خلقی و اختلال شخصیت مرزی می شود و خطر پرخاشگری واکنشی را افزایش می دهد. عملکردهای عصبی شناختی اصلی را بیان می کنم که مطابق با همدلی هستند و در افراد دارای صفات روانی به خطر می افتند. افراد در شرایط روانپزشکی بیشتر در معرض خطر برای تحریک پذیری / پرخاشگری واکنشی قرار دارند که منجر به رفتارهای پرخطر بیشتری می شود (بلیر، ۲۰۱۸). نیازی، سعادت و عباس زاده در سال (۱۳۹۶) دریافتند که وضعیت شغلی، تحصیلی و درآمد والدین بر بروز رفتارهای ناهنجار فرزندان تأثیر می گذارد؛ همچنین نظارت والدین می تواند عاملی مهم جهت جلوگیری از این گونه رفتارها در نوجوانان باشد. در تبیین این فرضیه می توان گفت افراد پرخاشگر به دلیل ویژگی های نظیر عدم عزت نفس، خویشنداری نابسند، فقدان مهارت خودمهارگری و تصمیم گیری عجولانه و تمایل به تلافی اعمال ناشایست، معمولاً توانایی کمی در مهار کردن خشمشان دارند و بیشتر به سمت رفتارهای پرخطر گرایش پیدا می کنند. فرزندان خانواده ای بدسرپرست نیز به دلیل شرایط و تجربیات کودکی خود و واکنش های خشونت آمیز اطرافیان و والدین بیش تر در معرض خشونت قرار گرفته و به سمت رفتارهای خشونت آمیز و پرخطر تمایل پیدا می کنند. بنابراین لازم است برنامه هایی در جهت توانمندی سازی خانواده ها و حمایت مادی و معنوی آنها از جانب نهادهایی نظیر کمیته امداد و بهزیستی صورت گیرد و آموزش های لازم به والدین افراد بدسرپرست ارائه شود تا از وقوع رفتارهای پرخطر در فرزندان خانواده های بدسرپرست پیشگیری گردد.

یافته های چهارم در پژوهش حاضر نشان داد سبک های دلبستگی دارای اثر مثبت و معنی داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست با نقش میانجی پرخاشگری تأثیر معنی داری داشت. همچنین همدلی دارای اثر منفی و معنی داری بر رفتارهای پرخطر در فرزندان بدسرپرست با نقش میانجی پرخاشگری است. این یافته با پژوهش صادقی، تاجیک زاده و رئیس کریمیان (۱۳۹۳)، رضایی (۱۳۹۲)، بلیر (۲۰۱۸) و لی و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. دلبستگی به والدین پیش بینی کننده منفی پرخاشگری و بعد بیگانگی در هر دو مقیاس دلبستگی به والدین و همسالان پیش بینی کننده مثبت و معنادار پرخاشگری بود (رضایی، ۱۳۹۲). میزان پرخاشگری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست به طور معناداری از کودکان عادی بیشتر بود و دانش هیجانی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست به طور معناداری کمتر از کودکان عادی بود. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد میزان مؤلفه های دانش هیجانی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست به طور معناداری کمتر از کودکان عادی بود؛ به طور کلی میزان پرخاشگری و دانش هیجانی فرزندان تا حد زیادی تحت تأثیر شیوه های سرپرستی والدین است (حصارسرخ و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت که آموزش مهارت های همدلی، مهارت های کنترل پرخاشگری در کاهش رفتارهای پرخطر و پرخاشگری مؤثر است. از آن جایی که توانایی های هیجانی کودکان بطور



معمول در سنین پایین به سرعت پیشرفت می‌کند؛ که تا حد زیادی حاصل شکل‌گیری سبک دلبستگی کودک و توانایی همدلی والدین بالاخص میزان صحبت کردن والدیشان درباره هیجان‌های مختلف است. برای کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست که کمتر چنین فرصت‌هایی برای رشد و تحول شایستگی هیجانی‌شان وجود دارد، می‌توان از طریق آموزش شایستگی هیجانی و توانایی همدلی این کمبود را جبران نمود. لذا می‌توان نتیجه‌گرفت رفتارهای پرخطر بر اساس سبک‌های دلبستگی و همدلی با میانجی‌گری پرخاشگری در فرزندان بدسرپرست قابل‌پیش‌بینی است.



منابع

- حصار سرخی، ربابه، اصغری نکاح، سید محسن، لعل زاده کندکلی، انسیه، پروانه. (۲۰۱۶). مقایسه پر خاشگری و دانش هیجانی کودکان پسر بی سرپرست و بدسرپرست با کودکان عادی، **فصلنامه سلامت روان کودک**، ۳(۲)، ۷۷-۸۵.
- حسینیان، سیمین، پردلان، نوشین، حیدری، حمید و عابدی، محمدرضا (۱۳۹۳)، پیش‌بینی رفتار پرخطر بر اساس سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان. **پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده**، ۱۳۹۳(۲): ۴۲-۵۴.
- عرب نژاد، شادی، عبدالله مفاخری و محمدجواد رنجبر (۱۳۹۷)، نقش انسجام خانواده و خودارزشمندی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول، **مطالعات روان‌شناختی**، ۱۴(۱): ۲۸-۴۷.
- علیزاده اصلی، افسانه؛ کیامنش، علیرضا؛ احدی، حسن (۱۳۹۶)، پیش‌بینی پر خاشگری و سازگاری تحصیلی بر اساس سبک‌های دلبستگی دانشجویان دختر، **زن و مطالعات خانواده**، ۱۰(۳۷): ۸۴-۶۵.
- فیض‌آبادی، زهرا، فرزاد، ولی‌الله و شهرآرای، مهرناز، (۱۳۸۷)، تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی فهرست واکنش‌های بین فردی (IRI)، **مجله روانشناسی و علوم تربیتی**، ۳۸(۳): ۱۵۷-۱۷۸.
- مسعودی علوی، اکرم سادات، خالقی پور و وهابی همابادی، جلال (۱۳۹۶)، روابط ساختاری ارزش‌های اخلاقی بر اساس سبک دلبستگی، بهزیستی معنوی و جهت‌گیری زندگی در نوجوانان بدسرپرست: مدل اخلاق متعالی، نشریه پرستاری کودکان و نوزادان، ۴(۳): ۲۴-۱۵.
- صادقی، راضیه؛ تاجیک زاده، فخری و رئیس کریمیان، فرحناز (۱۳۹۳)، رابطه‌ی طرد و پذیرش مادر با پر خاشگری در دانشجویان دختر دانشگاه چمران اهواز، **مجله علوم پزشکی صدر**، ۲(۲): ۱۸۶-۱۷۳.
- محسنی تبریزی، علی رضا؛ راضی، اشرف، (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر جرائم خشونت‌آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی، **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۰: ۸۳ تا ۹۶.
- نریمانی، محمد؛ محمودی، نادر و ملکشاهی فر، معصومه (۲۰۰۹)، مقایسه هوش هیجانی و سبک دلبستگی در کودکان با لکنت و بدون لکنت. **فصلنامه کودکان استثنایی**، ۹(۲): ۱۶۲-۱۵۵.
- نیازی، محسن؛ عباس زاده، محمد، و سعادت، موسی (۱۳۹۶)، بررسی جامعه‌شناختی سهم مولفه‌های سرمایه اجتماعی در تبیین رفتارهای مخاطره‌آمیز (مورد مطالعه: جوانان ۱۵-۳۴ شهر تبریز)، ۸(۲)، ۷۵-۱۰۱.
- Blair, R. J. R. (2018). Traits of empathy and anger: implications for psychopathy and other disorders associated with aggression. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 373(1744), 20170155.
- Boyer, T. W, (2006), The development of risk-taking: A multi-perspective review. *Developmental Review*, 26: 291-345.



- Carr-Gregg, M. R., Enderby, K. C., & Grover, S. R. (2003), Risk-taking behaviour of young women in Australia: screening for health-risk behaviours, *Medical journal of Australia*, 178(12), 601-606.
- Cava, M. J., Buelga, S., Musitu, G., & Murgui, S. (2010), Violencia escolar entre adolescentes y sus implicaciones en el ajuste psicosocial: Un estudio longitudinal. *Revista de Psicodidáctica*, 15(1), 21-34.
- Garaigordobil, M., & Garcia de Galdeano, P. (2006), Empathy in children aged 10 to 12 years. *Psicothema*, 18(2), 180-186.
- Hayre, R. S., Goulter, N., & Moretti, M. M. (2019), Maltreatment, attachment, and substance use in adolescence: Direct and indirect pathways, *Addictive behaviors*, 90, 196-203.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1994), Attachment as an organizational framework for research on close relationship, *Psychological Inquiry*, 5, 1-22.
- Heren kohl, T. L., Catalano, R. F., Hemphill, S. A., & Toumbourou, J. W. (2009), Longitudinal examination of physical and relational aggression as precursors to later problem behaviors in adolescents, *Social Development Research Group*, 24, 3-19.
- Hosseini Sh, Rezaei A, Ezzedin M, (2014), Effectiveness of Schema-Focused Cognitive Group Therapy on Early Maladaptive Schemas of Homeless and Difficult Parents Adolescents. *J clin psychol*; 24(6)
- Kaye, D. L., Montgomery, M. E., & Munson, S. W. (2003), Child & adolescent mental health, *Philadelphia: Lippincott William and Wilkins*.
- Keatley, D. A., Allom, V., & Mullan, B. (2017), The effects of implicit and explicit self-control on self-reported aggression, *Personality and Individual Differences*, 107, 154-158.
- Moffitt, T. E. (2006). Life-course persistent versus adolescent-limited antisocial behavior. In D. Cicchetti, & D. Cohen (Eds.), *Developmental psychopathology* (pp. 570-598) (2 ed). *New York: Wiley*.
- Lee, K. & Morgan, J. K. (2015), Emotion-based preventive intervention: Effectively promoting emotion knowledge and adaptive behavior among at-risk preschoolers, *Development and psychopathology*, 27(4pt1), 1353-1365.
- Newton, R. R., Litrownik, A. J., & Landsverk, J. A. (2000), Children and youth in foster care: Disentangling the relationship between problem behaviors and number of placements, *Child abuse & neglect*, 24(10), 1363-1374.
- Sanaatnegar S. (2011), Effectiveness of story group therapy on self-concept, despair and loneliness orphaned girl children living in children's homes Mashhad [Thesis for Master of Science], [mashhad, Iran]: Faculty of Psychology, *Ferdowsi University of Mashhad*; 55-60. [Persian].
- Timmer, S. G., Urquiza, A. J., & Zebell, N. (2006), Challenging foster caregiver-maltreated child relationships: The effectiveness of parent-child interaction therapy, *Children and Youth Services Review*, 28(1), 1-19.
- Webster, D., Barth, R. P., & Needell, B. (2000), Placement stability for children in out-of-home care: A longitudinal analysis, *CHILD WELFARE-NEW YORK*, 79(5), 614-632.



Modeling high-risk behaviors based on attachment and empathy styles mediated by aggression in abused children in Zanjan

Abstract

Introduction & Objective: Family breakdown and various other factors have caused many families to face child's bad supervision and unattended. The experience of abuse, especially during the early years, exposes the child to uncompromising social, psychological, and psychological-biological functions. The aim of this study was to model high-risk behaviors based on attachment and empathy styles with the mediating role of aggression in abused children in Zanjan. **Materials and Methods:** The present study is a descriptive correlation based on structural equation modeling. The statistical population of the present study includes all abused children (boys and girls) aged 10 to 20 years living in Zanjan in 1998-99, 120 of whom were selected by purposive sampling as a sample and a questionnaire. Hazen and Shiver (1978), Bass & Warren (2000) aggression, Davis (1983) and Mohammadzadeh et al. (2011) high-risk behaviors were filled for each subject. In this study, in order to analyze the data, structural equation modeling and heuristic factor analysis were used. AMOS-18 and SPSS-23 software were used for analysis. **Results:** The findings of the goodness-of-fit indicators of the main model of the research indicated the high fit of the model. The results showed that attachment styles have a positive and significant effect on high-risk behaviors in abused children with a mediating role of aggression ($p < 0.001$); Empathy also has a significant negative effect on high-risk behaviors in abused children with a mediating role of aggression ($p < 0.05$). **Conclusion:** Since children's emotional abilities usually develop rapidly at a young age, it is largely the result of the formation of the child's attachment style and the ability of parental empathy, especially the amount of parental talk about different emotions.

Keywords: Attachment Styles, Empathy, Aggression, Risky Behaviors and Abusive Children.